



مقالات و اعلامیه های برگزیده
 از کار ۲۲۳ - چهارشنبه ۱ دی ۱۳۷۸

سرمقاله

رفسنجانی را تنها بگذارید!

یادداشت

دانشجویان خواهان تحولات جدی اند

**آمران و عاملان قتل های زنجیره ای و همکاران
 رسانه ای آنان را در دادگاه علنی محاکمه کنید!**

**پاسخ مردمی که قبول ندارند این
 قتل ها بی حکم بوده، کدام است؟**

**پیگیری قتل های زنجیره ای باید به
 یک نهاد مورد اعتماد مردم سپرده شود**

**محمد خاتمی خطاب به دانشجویان:
 به سکوت خود ادامه بدهید!**

**وزارت کشور مانع برپایی
 گردهمایی اعتراضی کارگران شد**

**جبهه سومی در انتخابات مجلس شکل می گیرد؟
 از قربانیان نمایشات تلویزیونی**

باید اعاده حیثیت شود!

**خانه کارگر و هیئت مدیره کانون عالی شورای اسلامی:
 تصویب برنامه پنج ساله دولت فوریتی ندارد**

قاتلین هم کاندیدای مجلس هستند!

**سیاست جامع شورای مرکزی
 سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

در قبال انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

رفسنجانی را تنها بگذارید!

خیز هاشمی رفسنجانی برای کسب ریاست مجلس شورای اسلامی، به مهمترین واقعه روزهای اخیر و موضوع کشاکش سیاسی در جامعه تبدیل شد. نخست باید از دانشجویان شجاع و آگاهی‌پذیر کرد که با موضع قاطع و افشاگرانه خود، باعث شدند مقاومت شدیدی در برابر این نیت شکل بگیرد و هاشمی رفسنجانی در نخستین روزهای علنی کردن قصد خود برای کنترل مجلس، تا حدود زیادی افشا و از سوی نیروهایی نیز که تصور نمی‌کرد، بدون حمایت بماند.

خوشبختانه امروز دستکم در بخش‌های آگاه و تاثیرگذار جامعه، آن قدر شناخت از رفسنجانی وجود دارد که علیرغم شعارهای عوام‌فربانه او در جهت ((سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی)) و ((رفع معضل بیکاری))، اهداف واقعی او را از بازگشت به خط اول صحنه سیاست، بشناسند. اما هنوز تا زمانی که او و تفکری که دنبال می‌کند، در جامعه ما به اندازه کافی تنها و منزوی شود، باید کار زیادی صورت گیرد.

رفسنجانی پنهان نمی‌کند که برای ((ایجاد تعادل)) وارد صحنه انتخابات شده است. اما آن چه او ایجاد تعادل می‌نامد، در واقع جلوگیری از حذف نیروهای ضد آزادی و تلاشی آشکار برای حفظ موقعیت متزلزل آنان در مجلس و در کل حکومت است. او به هدف سد کردن راه اصلاحات سیاسی در ایران می‌خواهد به خط مقدم سیاست باز گردد. این واقعیت که بزرگ‌ترین حامیان و مشوقین رفسنجانی برای ورود به مجلس ششم جناح محافظه‌کار حکومت و تشکیلات بدنامی چون جمعیت موفته اسلامی بوده‌اند، خود نشان‌دهنده این است که چه کسانی در ورود او به این انتخابات سود خود را می‌جویند.

محافظه‌کاران در وضعیت درماندگی، نجات خود را در آن یافته‌اند که دست یاری به سوی رفسنجانی دراز کنند و این موفته ((سال‌های طلایی)) را بار دیگر به یاری فرا خوانند، ریاست مجلس را به او سپارند، تا اصلاح‌طلبان واقعی را بر کرسی ریاست مجلس نبینند و با کمک او مجلس را همچنان به عنوان سنگری برای مقابله با جریان اصلاحات در ایران حفظ کنند. محافظه‌کاران در کاربست این سیاست در عین حال هدف گسترش شکاف در جبهه اصلاح‌طلبان را دنبال می‌کنند و می‌کنند و در این هدف تا حدودی نیز موفق شده‌اند.

در برابر این سیاست، فشار جنبش توده‌ای، افکار عمومی و بخش پیشروی اصلاح‌طلبان، جریان‌ها و وابسته به جناح چپ حکومت را از رفسنجانی دور کرده است. اکثر تشکیلاتی وابسته به این طیف اعلام کرده‌اند از کاندیداتوری رفسنجانی حمایت نخواهند کرد. این فشارها، حتی طیف‌های محافظه‌کار چپ حکومت نظیر مجمع روحانیون مبارز را، که پیش از آن اعلام کرده بود به هر قیمت با کارگزاران ائتلاف خواهد کرد، به عدم حمایت از رفسنجانی برانگیخته است. هر چند هنوز زود است بتوان با قطعیت گفت آیا این سیاست تا پایان ادامه خواهد یافت یا نه، اما اکنون فشار افکار عمومی به گونه‌ای است که حمایت از رفسنجانی ((هزینه)) زیادی را بر این طیف تحمیل خواهد کرد و هر کسی که به رفسنجانی نزدیک شود، از بخش آگاه و پیشرو جامعه و به ویژه دانشجویان و جوانان دور خواهد شد.

در این جا به ویژه سخن اصلی با کارگزاران سازندگی است که به نظر می‌رسد همچنان مصرند تا سرنوشت خود را با سرنوشت هاشمی رفسنجانی یکی سازند. اظهارات برخی از رهبران این حزب در واکنش به افشاگری‌های دانشجویان علیه رفسنجانی، به گونه‌ای بود که آنان را بی‌کم و کاست در برابر دانشجویان و افکار عمومی قرار داد. اگر این گره زدن سرنوشت‌ها دوجانبه بود، شاید کمتر سخنی در انتقاد از آن می‌شد بر زبان آورد. اما تجربه نشان داده است هاشمی رفسنجانی، از گاز گرفتن انگشتی که به قصد گذاشتن عسل به دهان او دراز شده باشد نیز ابایی ندارد. آنچه که او با کرباسچی کرد شاید یک نمونه قدیمی باشد. از نمونه‌های جدیدتر نیز می‌توان سخن گفت: برپایی حزب ((عدالت و توسعه)) و اعلام ((خبر مبارک)) ورود او به صحنه انتخابات از جانب این حزب، فقط نشانگر این نبود که رفسنجانی میل داشت بر نزدیکی خود با طیف‌های محافظه‌کار حکومت تاکید گذارد، این پیام را نیز در بر داشت که کارگزاران سازندگی فقط یکی از ابزار پیشبرد سیاست‌های او هستند!

رفسنجانی حتی اگر به قصد خود نایل شود و ریاست مجلس را نیز در اختیار گیرد، سرنوشت روشنی نخواهد داشت. امروز کرسی ریاست و مقام و منصب تعیین کننده همه چیز نیست. همین حوادث چند روزه اخیر نشان داده است او در میان دستکم بخش‌های آگاه و پیشرو حتی حکومت نیز اعتباری ندارد و در نزد افکار عمومی افشا شده است. او خود نیز این واقعیت را دریافته و از همین رو بیش از پیش به جبهه محافظه‌کاران لغزیده و شانس خود را برای حفظ قدرت، در اردوی آنان می‌جوید. هر جریان سیاسی که نخواهد این واقعیت را ببیند، در سرنوشت او شریک خواهد شد. پس آن‌ها که واقعا به توسعه سیاسی و به اهداف جنبش دوم خرداد اعتقاد دارند، بهتر است رفسنجانی را تنها بگذارند، زیرا ماندن با او به معنای جدایی از جریان اصلاحات است!

یادداشت

دانشجویان خواهان تحولات جدی‌اند

به دنبال برگزاری گردهمایی‌های گوناگون دانشجویی به مناسبت سالگرد ۱۶ آذر، روز دانشجوی، برخی نشریات منتشره در ایران نسبت به پتانسیل بالای اعتراضی دانشجویان هشدار داده و آن را خطری برای کل نظام شمردند. در گردهمایی دانشجویان در دانشگاه‌های علم و صنعت و تهران چندین هزار دانشجو در حمایت از نوری و علیه رفسنجانی شعارهایی سر دادند که از جمله بر سیاق شعارهای دوران انقلاب ((ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم، نخست‌وزیر عوض میشه)) سروده شده بود. برخی فعالین سیاسی در جمهوری اسلامی پیش‌بینی کردند که طوفان در پیش است. جدا از اینکه این اظهارنظرها و احکام برای گرفتن امتیاز از جناح محافظه‌کار و ترغیب آن به توجه جدی‌تر به مصالح نظام و مدارا با اصلاح‌طلبان، بیان می‌شود، اما این امر واقعیتی جدی‌تر است که جنبش اعتراضی و تحول‌طلب در ایران دارای پتانسیل و قدرت بسیار بالایی است و جنبش دانشجویی در شرایط کنونی فعال‌ترین بخش جنبش‌های اجتماعی - سیاسی در ایران را تشکیل می‌دهد. از پس از جنبش ۱۸ تیر که دانشجویان در اعتراضی وسیع ارکان حکومت‌گران ولایت‌فقیه‌ی را به لرزه انداختند، تاکنون دانشجویان به اشکال گوناگون و از همه جانب تحت فشار قرار گرفته‌اند. محافظه‌کاران و سرکوب‌گران رژیم حکم به سرکوب همه‌جانبه و دستگیری دانشجویان دادند. آنان از همه اهرم‌های اعمال فشار همچون زندان و شکنجه و اخراج از دانشگاه و عدم ثبت‌نام و محرومیت از تحصیل و تهدید استفاده کردند. اما در برابر عزم دانشجویان و پتانسیل بالای اعتراضی آنان توفیق نیافتند، آنان را از پیگیری خواسته‌هایشان بازدارند. نیروهای اصلاح‌طلب نیز بسیار کوشیدند دانشجویان را از هر نوع حرکت اعتراضی که به زعم آنان ((تند و آشوبگرانه)) بازدارند و نگذارند آنان به اشکالی که خود مناسب می‌دانند، به دستگیری همزمانشان و دیگر انواع فشارها اعتراض کنند و خواسته‌هایشان را پی گیرند. استدلال این نیروهای اصلاح‌طلب این است که در شرایط کنونی هر حرکت اعتراضی و ((اغتشاش)) به نفع نیروهای محافظه‌کار تمام شده و مورد سواستفاده آنها قرار خواهد گرفت. تاکتیک ((فشار از پایین چانه‌زنی در بالا)) به دلیل مخاطرات حرکات اعتراضی و اینکه قابل کنترل در چارچوب خواسته‌ها و شعارهای اصلاح‌طلبان حکومتی نیست، تغییر کرد و جای خود را به ((چانه‌زنی)) همراه با تهدیدهای بیشتر بی‌پشتوانه در بالا داد.

بسیاری مفسران از جمله در روزنامه‌های طرفدار دوم خرداد، از همان ۱۸ تیر، گسست رهبری سیاسی اصلاح‌طلبان حکومتی بر جنبش دانشجویی را مورد تاکید قرار دادند. محکومیت عبدالله نوری در دادگاه روحانیت که به دنبال دفاعیه شجاعانه او در دادگاه انجام شد، گردهمایی‌های دانشجویی به مناسبت ۱۶ آذر را عمدتا در راستای دفاع از عبدالله نوری سوق داد. موقعیت عبدالله نوری در میان بخشی از دانشجویان مستحکم‌تر شد. دفتر تحکیم وحدت و دانشجویان نزدیک به این طیف سیاسی-فکری، مواضع نوری را به نوعی و در عمل پلاتفرم سیاسی خود دانسته و بدین ترتیب ناراضی‌تی خود را از مماشات‌ها و ناپیگیری‌ها و سازش‌ها با محافظه‌کاران نشان دادند. مخاطب این بخش از دانشجویان از شعار ((توسعه سیاسی با هاشمی نمیشه)) روشن است. دانشجویان در گردهمایی‌های خود، خاتمی را در مورد دادگاه روحانیت، پیگیری قتل‌ها، سرکوب

دانشجویان، روند توسعه سیاسی و ده‌ها مسئله دیگر مخاطب و طرف سوال قرار داده و از وی پاسخ‌های روشن طلب کردند و پاسخ‌هایی دریافت کردند که از روشنی برخوردار نبود. و این در حالی است که دانشجویانی که صدا و سوالشان در رسانه‌ها بازتاب می‌یابد از زمره دانشجویانی هستند که در طیف و چارچوب اندیشه و مواضع قابل پذیرش و ((خودی)) فضای سیاسی و رسانه‌های مجاز در جمهوری اسلامی می‌گنجد.

گردهمایی اخیر دانشجویان نشان داد این ادعا واقعی نیست که اعتراضات دانشجویی الزاما به ((اغتشاش و آشوب)) در جامعه دامن می‌زند، این گردهمایی‌ها نشان داد اگر دانشجویان فرصت و امکان حضور متشکل و موثرتر در فضای سیاسی کشور را داشته باشند، می‌توانند بر رویدادهای سیاسی تأثیرات گاه تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

آمران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ای و همکاران رسانه‌ای آنان را در دادگاه علنی محاکمه کنید!

گروهی از نویسندگان کشور با ارسال نامه‌ای برای رئیس قوه قضاییه، خواهان محاکمه علنی همه آمران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ای و همچنین ((همکاران رسانه‌ای)) آنان شدند.

در این نامه که اعضای کانون نویسندگان ایران آن را امضا کرده‌اند آمده است:

حداقل از زمان دستگیری سعیدی سیرجانی (۲۳ اسفند ۷۲) و بالاخره قتل آن شادروان تا هم‌اکنون، نویسندگان ایران سال‌هایی پر از ارباب را می‌گذرانند. نویسندگان ایران در همین سال‌ها بارها به مراکز رسمی و غیررسمی احضار شده‌اند، از طریق تلفن مکررا تهدید شده‌اند، ماموران بی‌نام و نشان، که امروز نام دو نفر از آن‌ها را جزو محفل قتل‌های زنجیره‌ای می‌توان یافت، به خانه و محل کار آن‌ها آمده‌اند، اغلب هم به شکل فردی یا جمعی و به اهانت‌بارترین شکل دستگیر و بازجویی شده‌اند و در میان همین سال‌های نزدیک از میان سیاستمداران و نویسندگان و ناشران و محققان این ملک - گذشته از مرگ مشکوک سعیدی سیرجانی آن هم در زندان و مفقودالاثر شدن پیروز دوانی - پروانه فروهر، داریوش فروهر، احمد میرعلایی، غفار حسینی، محمد مختاری، محمدجعفر پوینده، مجید شریف، دکتر احمد تفضلی، ابراهیم زال‌زاده و چندین نفر دیگر به قتل رسیده‌اند. اگر طرح به دره انداختن اتوبوسی که عازم ارمنستان بود به نتیجه مورد نظر همان محفل می‌رسید، امروز به سیاهه بالا باید نام بیست و یک نفر دیگر را می‌افزودیم.

در ادامه این نامه آمده است: اکنون با توجه به گذشت نزدیک به یک سال از اطلاعیه وزارت اطلاعات و ادعان به وجود محفلی در آن وزارتخانه و دستگیری تنها معدودی از عاملان و به درازا کشیدن جریان بازجویی از آنان و استمرار دشنام‌نامه‌های روزنامه‌ای... ما را به حق نگران می‌دارد که کدام روز دیگر نوبت به کدام نویسنده یا شاعر یا ناشر یا سیاستمدار می‌رسد تا جنازه شرحه شرحه او را به دوش ببرند. نویسندگان در پایان نامه خود نوشته‌اند: ما نویسندگان با توجه به همه جوانب، از جنابعالی، به عنوان بالاترین مقام قضایی کشور می‌خواهیم مقدمات پرونده این قتل‌ها در اختیار وکلای دم قرار گیرد و سرانجام همه آمران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ای و همچنین همکاران رسانه‌ای آنان در دادگاهی علنی محاکمه شوند. همچنین می‌خواهیم ریشه همه این قتل‌ها و وحشت‌آفرینی‌ها در هر شکل و هر مقام شناسایی و معرفی و محاکمه شوند.

افراد زیر این نامه را امضا کرده‌اند: حسن اصغری، حسین افشار، علی باباچاهی، پرویز بابایی، علیرضا بابایی، جلال بایرام، جمشید برزگر، محمد بهارلو، سیمین بهبهانی، حسن پستا، علیرضا پنجه‌ای، علی پورصفر، بابک تختی، علیرضا جباری، کامران جمالی، جاهد جهانشاهی، رضا چایچی، محسن حکیمی، انور خامه‌ای، مهین خدیور، عظیم خلیلی، محمد خلیلی، رضا خندان، روشنک داریوش، علی اشرف درویشیان، محمود دولت‌آبادی، فریبرز رئیس‌دانا، منیرو روانی‌پور، قاسم رویین، ناصر زرافشان، بهزاد زرین‌پور، یزدان سلحشور، عنایت سمیعی، محمدعلی شاکری یکتا، احمد شاملو، علی‌اصغر شیرزادی، مرسده صالح‌پور، محمدرضا صفدری، ایرج ضیایی، فرزانه طاهری، رضا عابد، هوشنگ عاشورازاده،

شیرین عبادی، علی عبدالرضایی، یوسف عزیزی بنی‌طرف، ناهید فروغان، مهرداد فلاح، محمد قاسم‌زاده، مهدی قریب، مهرانگیز کار، ایرج کابلی، کاظم کردوانی، نصرالله کسرائیان، قاسم کشکولی، عبدالله کوثری، جعفر کوش‌آبادی، هوشنگ گلشیری، کاوه گوهرین، شهلا لاهیجی، سایر محمدی، احمد محمود، عباس مخبر، مجید مددی، محمود معتقدی، رضا معتمدی، اکبر معصوم‌بیگی، شهاب مقربین، حافظ موسوی، نسترن موسوی، فیروزه مهاجر، منیژه نجم عراقی، جمشید نوایی، فریدون نوایی، ناصر وحدتی، حمید یزدان‌پناه، ابراهیم یونسی.

هوشنگ گلشیری، عضو هیات دبیران کانون نویسندگان ایران، پیرامون انتشار این نامه، به روزنامه عصر آزادگان گفت: این نامه مدتی پیش تهیه شده بود و به علت پیش آمدن مسایلی از قبیل انتخابات هیات دبیران کانون و تکمیل نبودن امضاها، انتشار آن تاکنون طول کشید. نامه سپس به امضای داوطلبین رسید، اما از آنجا که پیش از تشکیل مجمع کانون نویسندگان تدوین شده بود، امضای کانون نویسندگان ایران به طور رسمی در ذیل آن نیامده است.

فریبرز رئیس‌دانا:

پاسخ مردمی که قبول ندارند این قتل‌ها بی‌حکم بوده، کدام است؟

محسن حکیمی عضو کانون نویسندگان ایران:

آمران و عاملان این جنایت باید به دلیل گرفتن حق حیات محاکمه شوند نه توطئه علیه نظام!

مراسم نخستین سالگرد قتل وحشیانه محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، نویسندگان دگراندیش ایران، روز ۱۵ آذر ماه گذشته در مسجد فخرآباد تهران برگزار شد. در این مراسم علاوه بر خانواده و بستگان مقتولین، گروه کثیری از مردم، شخصیت‌های ملی و دموکرات و اعضای کانون نویسندگان ایران حضور داشتند و دکتر فریبرز رئیس‌دانا و محسن حکیمی، از اعضای کانون نویسندگان ایران، سیاوش مختاری فرزند محمد مختاری و خانم سیما پوینده، همسر محمدجعفر پوینده در سخنانی خواستار دستگیری و محاکمه همه آمران و عاملان قتل نویسندگان و آزادی‌خواهان کشور شدند.

دکتر فریبرز رئیس دانا طی سخنانی به نقش مطبوعات در پیگیری پرونده قتل‌های زنجیره‌ای اشاره کرد و ضمن تقدیر از روزنامه‌هایی نظیر خرداد، صبح امروز، نشاط زن و سایر روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران و همچنین شخصیت‌های چپ و دموکراتیک کشور و روحانیون و روشنفکرانی که نگذاشته‌اند این جنایت هولناک فراموش شود، گفت: اگر فشار افکارعمومی و مطبوعات مستقل نبود پیگیری این قتل‌ها بی‌صدا می‌ماند. هر چند که در کنار مطبوعات وجود چهره‌های سیاسی و برخی از روحانیون اصلاح‌طلب نیز در پیگیری این پرونده موثر بود. وی از نحوه اطلاع‌رسانی پرونده قتل‌های زنجیره‌ای انتقاد کرد و خطاب به مسئولین قضایی جمهوری اسلامی گفت: دوستداران شما به ما گفته‌اند که باید به شما اعتماد کرد. شما خود وعده‌های فراوان برای رسیدگی در مورد قتل‌ها که تا این حد در ابهام فرو رفته است، داده‌اید. اما در توضیحات و برنامه‌های تلویزیونی آمران با تعمدی مصرانه پنهان می‌مانند و به جای آن، از دست‌های خارجی مشکوک و ناشناخته سخن می‌رود و تهدیدها و پشتیبانی‌ها از جنایتکاران در سطح وسیع پخش می‌شود و حتی مورد حمایت قرار می‌گیرد، پس پاسخ شما به صبر و اعتماد مردم چیست؟ پاسخ به مردمی که قبول ندارند این قتل‌ها بی‌حکم بوده باشد، کدام است؟ رئیس‌دانا در پایان سخنان خود گفت: تا آمران قتل‌های زنجیره‌ای محاکمه نشوند، هیچ امیدی به برقراری امنیت برای شهروندان نیست.

محسن حکیمی عضو کانون نویسندگان ایران نیز طی سخنانی از عملکرد سازمان قضایی نیروهای مسلح در اطلاع‌رسانی پرونده قتل‌های زنجیره‌ای انتقاد کرد و گفت: یکی از کاستی‌های موجود در این پرونده نگرانی از انحراف سیر پیگیری این جنایت است. برای بسیاری از دگراندیشان و مردم تردیدی نمانده است که قتل‌های زنجیره‌ای با مجوز شرعی انجام شده‌اند و سوال اینجاست که چه رابطه‌ای میان

فتوادهندگان و انحراف مسیر پرونده وجود دارد. وی افزود: تنها راه حل این معضل، محاکمه علنی با حضور هیات منصفه و وکیل مدافع برای صادرکنندگان مجوز شرعی این جنایات است. حکیمی در پایان سخنان خود تصریح کرد: مسئولان به این پرسش پاسخ دهند که آیا قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای حق حیات داشته‌اند و اگر پاسخ به این سوال مثبت است، مسئولان پرونده باید اعلام کنند متهمان این پرونده به جرم گرفتن حق حیات از شهروندان محاکمه می‌شوند و نه به خاطر توطئه علیه نظام و فساد اخلاقی!

پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای باید به یک نهاد مورد اعتماد مردم سپرده شود

با گذشت یک سال از ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای پاییز سال ۷۷، هنوز باید با این پرسش آغاز کرد که چرا این پرونده که همه از آن به عنوان پرونده‌ای ملی یاد می‌کنند، پیگیری نمی‌شود؟ چرا رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضاییه و رئیس مجلس، این روزها وقتی سخن از پرونده قتل‌ها به میان می‌آید، هر یک به نوعی مسئولیت را از شانه خود برمی‌دارند. چرا این مسئولان و وزارت‌خانه‌هایی که قانوناً موظف به رسیدگی به پرونده قتل‌ها هستند، از پذیرش مسئولیت این پرونده شانه خالی می‌کنند؟ اختلاف یونسی وزیر اطلاعات، نیازی رئیس دادرسی نظامی و خاتمی درباره پرونده قتل‌ها بر سر چه بود و در جلسه مشترک آنان با خامنه‌ای چه گذشت؟ آیا پیگیری پرونده به دست قاتلان نیفتاده است؟

ظاهراً اگر چه بعد از جلسه مشترک با خامنه‌ای، توافق بر آن شده که نظارت خاتمی و شاهرودی بر پرونده قتل‌ها بیشتر شود، اما آینده مبهم و تاریک پرونده همچنان به قوت خود باقی مانده و بیم آن می‌رود آمران قتل‌ها، این پرونده را به بایگانی بسپارند. این نگرانی‌ها در سخنان خانواده‌های قربانیان، وکلای مدافع آنان، نویسندگان و روشنفکران و دانشجویان کشور بازتاب یافته است.

یک سال پیش تحقیقات درباره یافتن عاملان و آمران قتل‌ها بر اثر فشار افکار عمومی در مسیری افتاده بود که اگر پیگیری می‌شد و به بیراهه نمی‌رفت به علی فلاحیان، رفسنجانی و بیت ولایت فقیه می‌رسید.

خامنه‌ای در همان روزهای نخستین با انتساب قتل‌ها به ((قدرت‌های خارجی)) راه انحراف در مسیر پرونده را گشود. برای اثبات این ادعای ((رهبر)) دادرسی نظامی به هر وسیله‌ای متوسل شده است تا سرخ قتل‌ها را به بیگانگان نسبت دهد. نوار اعتراف متهمان که سازمان قضایی نیروهای مسلح خبر از پخش تلویزیونی آن داده است، در همین جهت تهیه شد. نوارهای تلویزیونی اعترافات که بر اساس رهنمود خامنه‌ای (دخاله عوامل خارجی) و سناریو حسینیان (انجام قتل‌ها از سوی جناح چپ حکومت) تهیه شده است، ظاهراً به دلیل مقاومت جناح اصلاح‌طلب هنوز پخش نشده‌اند. اما اظهارات برخی از نویسندگان طرفدار رئیس‌جمهور و پرسش هزاران دانشجو از رئیس‌جمهور در باره علت عدم پیگیری قتل‌ها، جالب‌تر، تلخ‌تر و در عین حال سوال‌برانگیزتر است. اطرافیان خاتمی از جمله اکبر گنجی و عطریانفر در مقالات خود فاش ساختند که دست خاتمی از پرونده قتل‌ها کوتاه شده و رئیس‌جمهور از روند پیگیری پرونده اطلاع ندارد. خاتمی این اظهارات را رد کرد و گفت در جریان پرونده هست. این اظهارنظر تنها بر سوالات افزود: چه کسی راست می‌گوید؟ آیا خاتمی می‌خواهد در مردم اطمینان ایجاد کند و آیا اطمینانی که پشتوانه واقعی نداشته باشد، راه کسانی را که می‌خواهند پرونده را مختومه کنند، هموارتر خواهد کرد؟ آیا این شایعه که پرونده به دست قاتلان افتاده است، تنها یک شایعه است؟

در هفته‌های اخیر افکار عمومی به زبان‌های مختلف اعلام کرده است پرونده قتل‌ها از مسیر کشف حقیقت خارج شده است و تعاریف رئیس‌جمهور از این که افرادی که پرونده را پیگیری می‌کنند آدم‌های درست‌کاری هستند، این نگرانی را برطرف نمی‌کند. تجربه یکساله اخیر ثابت کرده است که سازمان قضایی نیروهای مسلح که مسئولیت رسیدگی به این پرونده را در اختیار دارد، نه صلاحیت و نه منفعتی در کشف ریشه‌های این جنایت دارد. بر همین اساس محافل مختلف، از جمله ده‌ها نفر از نویسندگان کشور و همچنین برخی از روزنامه‌ها و فعالین اصلاح‌طلب خواهان آن شده‌اند که پرونده از دست سازمان قضایی نیروهای مسلح خارج شود. ما از این نظر پشتیبانی می‌کنیم که برای خروج پرونده از بیراهه و

کشف حقیقت، باید ارگانی مستقل از حکومت تشکیل شود که مورد اعتماد مردم باشد. مردم به نهادی که با حضور نمایندگان خانواده‌های قربانیان، وکلای منتخب آنان، نمایندگان وکلای مستقل و ملی کشور، نمایندگان کانون نویسندگان ایران و دیگر نهادهای مردمی و دموکراتیک تشکیل شود و پیگیری این پرونده را برعهده گیرد، می‌توانند اعتماد کنند. از نظر ما باید چنین نهادی برای کشف حقیقت و معرفی آمران قتل‌ها تشکیل شود.

محمد خاتمی خطاب به دانشجویان: به سکوت خود ادامه بدهید!

محمد خاتمی در سخنرانی در جمع دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت از ((سکوت)) دانشجویان قدردانی کرد و از آنان خواست به این سکوت ادامه بدهند!

رئیس جمهور گفت: من به عنوان فردی که خود را هنوز یک دانشجوی کوچک می‌دانم تقدیر خود را از همه دانشجویان به خاطر سکوتی که در سال جاری از خود نشان داده‌اند ابراز می‌کنم. آقای خاتمی اضافه کرد: امسال ساکت‌ترین سال دانشجویان بود اما به این معنا نیست که آنان اعتراضی نداشتند، چرا که در سال جاری به آنان توهین شد. خاتمی گفت:

برخی قصد داشتند دانشجو و دانشگاه را مظهر خشونت، درگیری، معارضه با ارزش‌های اسلامی و انقلابی نشان داده و آنها را تحریک کنند. وی ادامه داد: واقعه کوی دانشگاه لکه ننگی است که به راحتی از دامن جامعه پاک نخواهد شد در این ماجرا پس از اهانت، سرکوب و ضرب و شتم دانشجو، غائله‌ای در متن شهر ایجاد شد و آن را به نام دانشجو نوشتند اما خوشبختانه جامعه دانشجویی با تدبیر و همت، راه خود را از این غائله جدا کرد. وی ادامه داد: جامعه دانشجویی با آنکه احساس می‌کرد آنطور که باید و شاید به ستمی که به او شده پاسخ داده نشد، ولی چون به نیاز جامعه یعنی آرامش و ثبات واقف بود، سکوت کرد و این راه باید ادامه یابد. خاتمی در ادامه سخنرانی خود برای دانشجویان افزود: برخی گروهها قصد داشتند و قصد دارند گرایش‌های باندی و گروهی خود را به دانشگاه‌ها بکشند اما دانشجو باید تلاش کند که از او سو استفاده نشود. وی اضافه کرد: اگر چه جامعه نیاز به آرامش دارد اما منظور از آرامش انتقاد نکردن و به دنبال کار خود رفتن نیست، اگر این کار صورت بگیرد جنبش دانشجویی مرده است. وی با تاکید بر اینکه دانشجو پرسشگر است اظهار داشت: پرسشگری دانشجو باید در مسیر استقرار نظام مردمی و دفاع از حضور آنان در صحنه صورت گیرد. دانشجو باید بتواند اعتراض کند اما این اعتراض در مسیر ثبات و پایداری نظام مردمی در کشور باشد.

بعد از سخنرانی خاتمی، دانشجویان ده‌ها سوال پیرامون محاکمه عبدالله نوری، وضعیت دادگاه ویژه روحانیت، نحوه رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای، نحوه رسیدگی به پرونده حمله به کوی دانشگاه تهران و سایر مسایل سیاسی روز مطرح کردند، اما رئیس‌جمهور تقریباً به هیچ یک از سوال‌های دانشجویان پاسخ مشخصی نداد و همچنان به روش خود مبنی بر اظهارنظرهای کلی و توصیه‌های اخلاقی و فیلسوفانه به دانشجویان بسنده کرد. فضای پرشور دانشجویان و شعارهای صریح و رادیکالی که از سوی آنان طرح می‌شد، نشان می‌داد که دانشجویان از پاسخ‌ها و نحوه برخوردهای رئیس‌جمهور راضی نیستند.

یک روز بعد از این سخنرانی، روزنامه آزاد در سرمقاله خود به محافظه‌کاران هشدار داد و نوشت: برگزاری مراسم دیروز در دانشگاه علم و صنعت، بار دیگر به روشنی نشان داد که روحیه نسل جوان و دانشجوی کشور در حال حاضر، تا چه حد نگران‌کننده‌ای ملتهب و احساساتی است. دیروز، درحالی که رییس جمهوری دائماً می‌کوشید از منظر خرد و صلاح مسایل را ارزیابی کند، دانشجویان و جوانان حاضر در مراسم با شعارهای خود - آشکارا - موضعگیری بس قاطع‌تر و تندتری را می‌طلبیدند. این شکاف و تفاوت نگران کننده در مواضع، طی ماههای اخیر به پدیده‌ای آشنا برای سخنرانان در دانشگاه‌ها و مراسم دانشجویی تبدیل شده و بیانگر شکافی است که نسل جوان ایران حتی با جناح اصلاح طلب پیشرو رهبران خود پیدا کرده است. با وجود این التهاب و حاکمیت فضای غلبه احساسات و عواطف بر نسل

جوان، قاعدتا روش و برخورد درست بایستی این می‌بود که جریان‌ات محافظه‌کار نیز با فهم درست از خطرات بزرگ موجود در کشور، که بعضا ارکان نظام و کشور را تهدید می‌کند، با هر هدف و منظری راه اعتدال و کاهش فضای تنش را برگزینند و دست کم - اگر نه خود - به رییس جمهوری امکان بدهند که رهبری و نمایندگی نسل جوان کشور را با مواضع خردمندانه و شفاف اما صلاح‌اندیش خویش ادامه دهد و از تشدید شکاف بین جوانان و نظام جلو بگیرد و برعکس به ترمیم آن بکوشد. اما، با وجود خطری چنین هولناک که همه نظام را تهدید می‌کند، دریغ از حتی یک گام و حتی یک جمله.

وزارت کشور مانع برپایی گردهمایی اعتراضی کارگران شد

به دنبال دعوت کانون عالی شوراهای اسلامی کار از کارگران برای تجمع اعتراضی در برابر دفاتر سازمان تامین اجتماعی در تهران و شهرستان‌ها برای روز یکشنبه گذشته، وزارت کشور جمهوری اسلامی شنبه ۲۷ آذر با انتشار اطلاعیه‌ای، تجمع کارگران را غیرقانونی اعلام کرد. وزارت کشور در اطلاعیه خود تاکید کرده است که هرگونه تجمع در مقابل دفاتر تامین اجتماعی فاقد وجاهت قانونی بوده و وزارت کشور در این خصوص موافقتی به عمل نیاورده است. دعوت به گردهمایی اعتراضی کارگران، در اعتراض به عدم پرداخت بیمه کارگری به گروهی از کارگران از سوی سازمان تامین اجتماعی اعلام شده بود. مخالفت وزارت کشور با تظاهرات کارگران موج اعتراض در میان کارگران و شوراهای اسلامی کار را موجب شد.

سلب حقوق قانونی و اولیه کارگران، طرح و تصویب قوانین ضد کارگری و تقلیل و تضییق دستاوردهای زحمتکشان کشورمان از سوی محافل ضد کارگری و سرمایه‌داری پدیده جدیدی نیست، ولی آنچه که جای تامل فراوان دارد، موضع‌گیری وزارت کشور است که خود را مدافع توسعه سیاسی و حقوق شهروندی می‌خواند، اما مانع از اعتراض کارگران به سلب آشکار حقوق خود، آن هم از راهی کاملاً قانونی می‌شود. جلوگیری از اعتراض کارگران از سوی وزارت کشور، تنها این نظر را تایید می‌کند که حق ابراز نظر و اجتماعات در ایران تنها زمانی به رسمیت شناخته می‌شود که یا توسط جناح‌های حکومتی صورت گیرد و یا قرار باشد به تمجید و تعریف از مقامات حکومتی بپردازد.

سلب حق اعتراض کارگران به تضییق حقوق خویش و جلوگیری از مقابله مسالمت‌آمیز آنان با اعمال و اقدامات ضد کارگری و ناعادلانه از سوی هر مقام و نهادی که باشد، از سوی هر انسان آزادی‌خواهی به شدت محکوم است. وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران به هیچ بهانه و دلیلی، از جمله ((جلوگیری از تشنج)) و یا ((سواستفاده از اوضاع بحرانی پیش از انتخابات)) حق ندارد مانع از اعتراض کارگران گردد. این روش، گذشته از تضییق آشکار حق کارگران و زحمتکشان کشورمان در دفاع از حقوق و منافع خویش، راه هرگونه دخالت فعال و موثر و روش‌های مسالمت‌آمیز مردم را در روند اصلاحات کنونی بسته و روز به روز فاصله بین آنها با مدعیان اصلاحات در حکومت را عمیق‌تر خواهد کرد.

تبریک به هم‌میهنان مسیحی!

این شماره ((کار)) آخرین شماره سال جاری میلادی است. کارکنان نشریه کار، فرا رسیدن سال میلادی ۲۰۰۰ را به همه هم‌میهنان ارمنی و آسوری و دیگر ایرانیانی که به استقبال سال نو میلادی می‌روند، تبریک می‌گویند و برای آن‌ها سالی سرشار از موفقیت و پیروزی و شادکامی آرزو می‌کنند. آرزو داریم در سال نو، مردم کشور ما بتواند گام‌های بیشتر و بزرگ‌تری در جهت برقراری دموکراسی در کشور و از جمله پایان دادن به ستم مذهبی و دینی بر اقلیت‌های مذهبی ایران بردارند.

جبهه سومی در انتخابات مجلس شکل می‌گیرد؟

در فاصله انتشار دو شماره روزنامه کار و در زمانی که به پایان یافتن زمان ثبت‌نام داوطلبان برای نمایندگی مجلس ششم نزدیک می‌شدیم سه گروه مختلف از نیروهای ملی مذهبی کشور، یعنی ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب، نهضت آزادی ایران و ۷۴ تن از فعالان ملی - مذهبی، برنامه‌های خود را برای انتخابات مجلس ششم ارائه دادند. آنچه که در برنامه‌های این سه گروه برجسته است نزدیکی مواضع و خواست‌های مطروحه با دو گروه دیگر و همچنین نیروهای آزادی‌خواه و لائیک است.

محتوای کلی سه برنامه ارائه شده نشان می‌دهد که آنان می‌توانستند با مختصری همفکری با یکدیگر، به برنامه جامع مشترکی برای شرکت در انتخابات دست یابند. نکاتی چون اصلاح قانون مطبوعات برای تضمین آزادی بیان و اصلاح قانون احزاب برای تامین فعالیت آزاد هر دو در جهت لغو صدور مجوز از طرف حاکمیت سیاسی و پرهیز از تقسیم‌بندی خودی و غیرخودی در برنامه هر سه گروه یاد شده، یافت می‌شود.

خواست‌های مهم دیگری چون اصلاح قانون انتخابات و حذف موانع مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود از طریق حذف نظارت استصوابی، انحلال دادگاه‌های ویژه روحانیت و انقلاب، جلوگیری از قانونگذاری توسط مرجعی چون مجمع تشخیص مصلحت، پیگیری قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای، تشکیل هیات منصفه برای رسیدگی به جرائم سیاسی، تامین تسهیلات برای شکل‌گیری نهادهای مدنی و استقلال مدیریت دانشگاه‌ها، حذف نهادهای موازی، فراهم کردن زمینه مشارکت بیشتر تمام اقوام ایرانی در اداره امور کشور و استیفای حقوق اقلیت‌ها و حذف تبعیضات ناروا در برنامه دو گروه از سه گروه ملی - مذهبی نام برده آمده است.

به مسائل مهمی چون ایجاد زمینه بازگشت ایرانیان خارج از کشور به میهن، تقویت شوراهای تامین استقلال قوه قضائیه، پایان دادن به رویارویی خصمانه میان دولت‌ها، ارجاع به همه‌پرسی عمومی در مورد مسائل مهم مورد اختلاف چون مذاکره یا عدم مذاکره با آمریکا، تشکیل کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون امور امنیتی و اطلاعاتی در مجلس، اصلاح قوانینی که حقوق و آزادی‌های زنان را محدود می‌کند و اصلاح قانون نشر کتاب و قانون سینما در جهت لغو ممیزی نیز در این یا آن برنامه از سه گروه پرداخته شده است.

ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب ضمن معرفی محورهای اصلی باورهای ایدئولوژیک خود، برنامه خود را همراه با تقسیم‌بندی اولویت‌های سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی عرضه کرده است که اهم آن ذکر گردید.

تاکید بر مردم‌سالاری و برقراری و تقویت جامعه مدنی روح اصلی برنامه‌های سه گروه ملی - مذهبی شرکت‌کننده در انتخابات مجلس ششم است. در کنار این سه گروه نیروهای دموکرات و آزادی‌خواه لائیکی هم با برنامه‌های کمابیش مشابه با آنها در داخل و خارج از کشور وجود دارند که قصد دارند به این یا آن شکل در انتخابات شرکت کنند، اما به دلایل مختلف و به ویژه به خاطر سرکوب شدید در سال‌های اخیر هنوز نتوانسته‌اند افراد شاخصی را برای نمایندگی مجلس معرفی نمایند. همکاری وسیع این نیروها در جهت ایجاد نیروی سومی در جامعه، می‌تواند جنبش دموکراتیک و آزادی‌خواهانه مردم کشور را به میزان قابل توجهی تعمیق بخشد و تردیدهای اصلاح‌طلبان حکومتی را میان حل مسائل در بالا از طریق چانه‌زنی و توافق با انحصارگران و محافظه‌کاران و روی آوردن به مردم و تلاش برای تامین خواسته‌های بنیادی آنان، در جهت دوم برطرف کند.

ایجاد چنین همکاری‌هایی در سطوح گسترده، بدون شک با موانع زیادی روبرو است و فرصت نیز برای تدارک آن کافی به نظر نمی‌رسد. اما نه این موانع و نه این زمان کم، هیچ‌کدام نمی‌تواند مانع از آن باشد که همکاری در هر سطحی که ممکن است، صورت نگیرد. ما به نوبه خود از چنین همکاری‌هایی استقبال می‌کنیم و حمایت از خواست‌های ترقی‌خواهانه موجود در برنامه نیروهای فوق را گام نخست از سوی خود در این جهت می‌دانیم.

از قربانیان نمایشات تلویزیونی باید اعاده حیثیت شود!

نقشه تازه مسئولان قضایی کشور برای پخش ((اعترافات)) عوامل قتل‌های زنجیره‌ای به درستی مورد حساسیت و بدگمانی نیروهای ترقی‌خواه و اصلاح‌طلب در ایران قرار گرفته است. آن گونه که از اخبار پراکنده پیداست، در فیلم‌هایی که قرار است از متهمین پخش شود، آنان مجبور به تکرار داستان‌هایی شده‌اند که مسئولین قوه قضاییه مایلند بشنوند. به خاطر تهیه این اعترافات و برای این که متهمین آن گونه اعتراف کنند که مسئولان می‌خواهند، آنان را تحت فشارهای روانی و شکنجه قرار داده‌اند، در سلول‌های انفرادی نگاهداری می‌کنند، از ملاقات با خانواده‌هایشان و هر گونه تماس با دنیای خارج محروم کرده‌اند و... داستان آشنا و قدیمی در جمهوری اسلامی!

((جنبش دوم خرداد)) به اعتراض علیه این توطئه غیرانسانی برخاسته است. نه فقط به این خاطر که از این اتهامات این هدف دنبال می‌شود که مسیر پرونده قتل‌های زنجیره‌ای اساساً در راه دیگری بیفتد، بلکه ظاهراً به این دلیل نیز، که برای اخذ این اعترافات حقوق انسانی متهمان زیر پا گذاشته شده است. در روزنامه‌های اصلاح‌طلب به موارد پرشماری از این گونه اعتراف‌گیری‌ها توسط سعید امامی اشاره می‌شود و از جمله اعترافات که در برنامه تلویزیونی هویت پخش شد. در این اشارات برای نخستین بار این حقیقت افشا می‌شود که این مصاحبه‌ها و اعترافات همه تحت شکنجه صورت گرفته است و هیچ ارزش حقوقی، قضایی و انسانی ندارد...

اعتراض جنبش دوم خرداد علیه اعتراف‌گیری توأم با شکنجه در زندان‌های جمهوری اسلامی، اعتراضی درست و بحق است. اما پرسش این جاست که آیا این روش را سعید اسلامی ابداع کرده است و اگر نه، پس چرا از صدها نمایش تلویزیونی دروغین و شرم‌آور پیش از آن سخنی نمی‌رود؟ همگان به یاد دارند که شیوه شرم‌آور ((اعترافات تلویزیونی)) از سال ۶۰ و با آغاز سرکوب سازمان‌های سیاسی مخالف رژیم باب شد و اوج آن، اعترافات دروغینی بود که بر دهان رهبران حزب توده ایران جاری کردند. هیچ عقل سلیم و هیچ منطقی نمی‌تواند بپذیرد که این گونه اعترافات پیش از زمان سعید اسلامی بر شیوه‌های انسانی و داوطلبانه متکی بوده و تنها بعد از حضور او در مقام معاونت امنیتی وزارت اطلاعات به مسیر ((نقض حقوق بشر)) کشیده شده است.

نه تنها قربانیان این اعترافات و نمایشات دروغین، بلکه تمامی جامعه ما از این نمایشات آسیب بسیار دیده‌اند. اکنون زمان آن است که جنبش جامعه مدنی در ایران، با صدای بلند رفتار وحشیانه و شرم‌آوری را که با قربانیان این نمایشات تلویزیونی صورت گرفته، محکوم سازد و از آنان اعاده حیثیت نماید!

خانه کارگر و هیئت مدیره کانون عالی شورای اسلامی: تصویب برنامه پنج ساله دولت فوریتی ندارد

برنامه پنج ساله دولت خاتمی، موضوع بحث نشست اخیر سران خانه کارگر و هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار بود. شرکت کنندگان این نشست ضمن اظهار نظر در باره جوانب منفی برنامه پنج ساله دولت، نگرانی خود را از تصویب این برنامه در مجلس شورای اسلامی را ابراز داشتند و از دولت خاتمی خواستند تصویب برنامه فوق را به مجلس آتی - مجلس ششم - محول کند و از تصویب فوری آن در مجلس پنجم بپرهیزد.

شرکت کنندگان در این نشست بیانیه چهارده ماده‌ای انتشار دادند و در آن از دیاد فقر، افزایش نرخ بیکاری، شکاف بیش از حد طبقات، کاهش تصدی دولت، انتقال مالکیت به بخش خصوصی، افزایش بی رویه قیمت‌ها را از جمله پیامدهای این برنامه اعلام کردند.

در ماده ۱۳ این بیانیه به تعیین حداقل دستمزد از سوی دولت انتقاد شده و به ناهمخوانی این تصمیم با مقوله‌های بین‌المللی اشاره شده است. مقوله‌های بین‌المللی کار دولت‌ها را موظف ساخته است که حداقل دستمزدها را با سطح واقعی زندگی مردم هماهنگ سازند.



مهلت ثبت‌نام کاندیداهای ششمین دوره مجلس پایان یافت شش هزار نفر کاندیدا شدند

قاتلین هم کاندیدای مجلس هستند!

با پایان مهلت ثبت‌نام کاندیداهای ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در روز جمعه گذشته، شورای نگهبان بررسی ((صلاحیت)) کاندیداها را آغاز کرد. نتیجه بررسی‌های شورای نگهبان در روز بیست بهمن، یعنی تنها ۹ روز پیش از انتخابات اعلام خواهد شد. بیش از ۶۰۰۰ نفر برای ششمین دوره مجلس ثبت‌نام کرده‌اند که هزار نفر آنان از تهران کاندید شده‌اند. مشهورترین کاندیدای نمایندگی عبدالله نوری است. در حالیکه محافظه‌کاران ثبت‌نام او را غیرقانونی می‌دانند، وزارت کشور کاندید شدن او را قانونی خوانده است. پیش از این دادگاه ویژه روحانیت اعلام کرده بود عبدالله نوری اجازه شرکت در انتخابات را ندارد. هاشمی رفسنجانی از دیگر کاندیداهای بحث‌برانگیز مجلس ششم است. گزارش‌ها حاکی از این است که ناطق‌نوری رئیس فعلی مجلس و موسوی خوئی‌نی‌ها برای شرکت در مجلس کاندید نشده‌اند. در میان کاندیداها، نام علی فلاحیان وزیر اسبق اطلاعات نیز به چشم می‌خورد که قاعدتا باید به دلیل جنایت علیه آزادی‌خواهان و دگراندیشان در زندان باشد، اما اکنون به لطف پشتیبانی محافل قدرتمند حکومت، مدعی ((نماینده مردم)) است. بسیاری از روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب و همچنین گروهی از شخصیت‌های ملی و دموکرات کشور و اعضای نهضت آزادی ایران نیز برای شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی ثبت‌نام کرده‌اند.

سیاست جامع شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در قبال انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی

متعاقب تصمیمات ششمین اجلاس شورای مرکزی سازمان پیرامون سیاست ما در انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی، و نیز تصمیمات هفتمین اجلاس آن دایر بر تکمیل و تکمیل این سیاست توسط هیات سیاسی - اجرایی، اینک جامع سیاست شورای مرکزی که پس از اظهار نظر شورا روی تصمیمات بعدی هیات سیاسی - اجرایی حاصل شده است، به اطلاع رسانده می‌شود:

۱. ما بر ضرورت برگزاری انتخابات دموکراتیک و حق شرکت احزاب غیرحکومتی در انتخابات آتی مجلس شورا تاکید می‌کنیم.
۲. ما خواهان حذف هر نوع محدودیت برای شرکت افراد و نیروهای سیاسی در انتخابات مجلس شورا، به ویژه نظارت استصوابی شورای نگهبان که مهمترین حربه جناح حاکم برای حذف مخالفین و رقبای انتخاباتی است، هستیم.
۳. شرکت وسیع مردم در انتخابات مجلس شورا بسود جنبش آزادی‌خواهان و اصلاح‌طلبانه است. ما از مردم خواهیم خواست که وسیعا در انتخابات شرکت کنند.
۴. ما در انتخابات آتی مجلس شورا، مستقلا شرکت خواهیم کرد و از عناصر و جریان‌های آزادی‌خواه نیز خواهیم خواست که برای این انتخابات نامزد شوند و مستقلا در آن شرکت کنند.
۵. ما آماده همکاری با همه نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب در انتخابات مجلس شورا هستیم و از آنان می‌خواهیم که از حق شرکت همه نیروهای سیاسی، از جمله سازمان، در انتخابات دفاع کنند.
۶. ما در چارچوب این سیاست، از نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب، اعم از حکومتی یا غیرحکومتی، حمایت خواهیم کرد.
۷. ما از شرکت نهادهای مستقل و صنفی و دموکراتیک کشور در انتخابات دوره ششم مجلس شورا حمایت می‌کنیم.
۸. ما اصلاح‌طلبان حکومتی را از ائتلاف با جناح حاکم در انتخابات مجلس شورا پرهیز می‌دهیم و آنان را به شکل دادن به ائتلاف نیروهای ملی و دموکراتیک دعوت می‌کنیم.



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>
fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت :
آدرس پست الکترونیکی :

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany